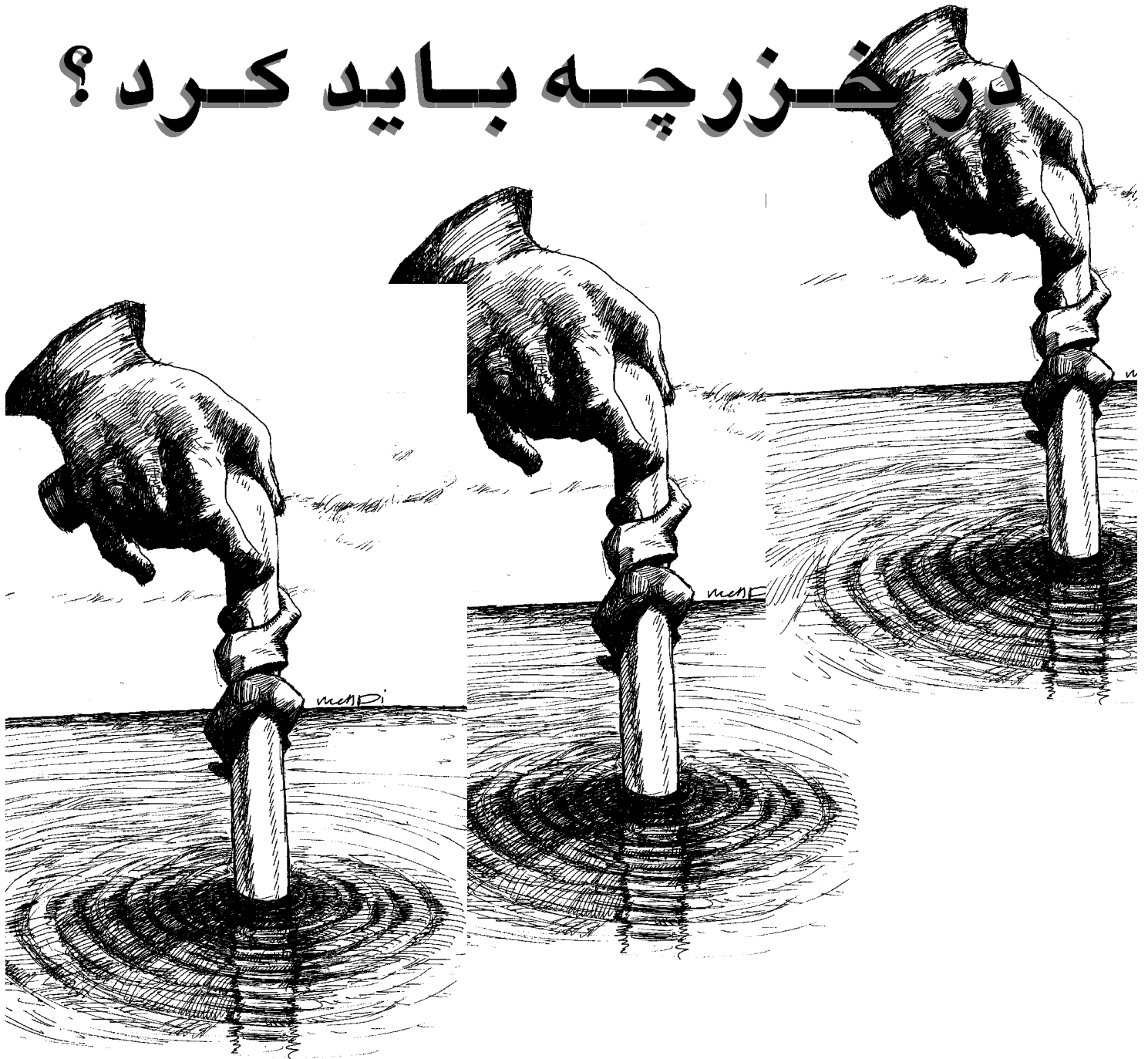


# در خزر چه باید کرد؟



## گروه نفت :

درباره خزر مطالب زیادی از جانب کارشناسان مختلف گفته شده اما به نظر می‌رسد ناگفته‌هایی هم هست که در ریشه‌یابی مسأله خزر مفید بوده و می‌تواند چراغ راه آینده باشد.

الف - بینش نادرست در زمینه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

از قبل از انقلاب پدیده‌ای به نام "اسلام انقلابی" وجود داشت که ضمن انقلابی بودن، ضد کمونیست هم بود. در جریان انقلاب و پس از آن نیز این

پدیده عوارض و آفاتی داشت از جمله نگاه نادرست ایدئولوژیک به اتحاد جماهیر شوروی که این نگاه منافع ملی ما را در نظر نداشت. طرفداران این بینش پس از فروپاشی شوروی بسیار شادمان شدند و جالب این که در خطبه‌ها و سخنرانی‌ها هم این رضایت و مسرت خاطر خود را ابراز داشتند. یکی از مسؤولان عالی‌رتبه کشور فروپاشی شوروی را معادل نابودی کمونیسم دانست و گفت که ما از فروپاشی کمونیسم بسیار خرسندیم. اما این گروه به این امر توجه نداشتند که شوروی اولاً مانعی بر سر راه اهداف توسعه‌طلبانه آمریکا در منطقه بود و ثانیاً منافع ملی ما در خزر براساس

قراردادهای موجود با اتحاد جماهیر شوروی بهتر تأمین می‌شد. (قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) این بینش موجب از دست رفتن فرصتی بزرگ و تاریخی شد.

#### ب- نامن جلوه دادن ایران

در جریان استیضاح حجت الاسلام نوری در سال ۱۳۷۷ فرصت تاریخی دیگری را از دست دادیم. شرکت‌های مشاوره بین‌المللی نظر کارشناسی خود را این‌گونه اعلام کردند که برای انتقال نفت و گاز خزر به دریای آزاد، ایران امن‌ترین، نزدیک‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر است در حالی که حتی جناح‌های متخاصم در افغانستان بر سر امنیت خط لوله سرتاسری از منطقه خزر به افغانستان و پاکستان، وحدت نظر داشتند و حاضر بودند قرارداد فیما بین آن را هم امضا کنند. (حتی احمدشاه مسعود با طالبان).

همزمان با این شرایط در ایران اتفاقی نابخشودنی رخ داد و آن استیضاح حجت الاسلام عبدالله نوری وزیر کشور دولت خاتمی توسط مجلس پنجم بود. استیضاح یکی از قواعد دموکراسی پارلمانی است، اما در این استیضاح، ۲۱ بار واژه نامنی در سرتاسر ایران به کار رفته بود. این

## ایران می‌تواند نفت کشورهای خزر را از طریق شبکه خط لوله خود به خلیج فارس منتقل نماید و به این ترتیب باعث می‌شود کشورهای خزر به جای تحمل هزینه ایجاد خط لوله جدید هر چه زودتر با درآمد حاصله از فروش نفت به توسعه اقتصادی خود بپردازند

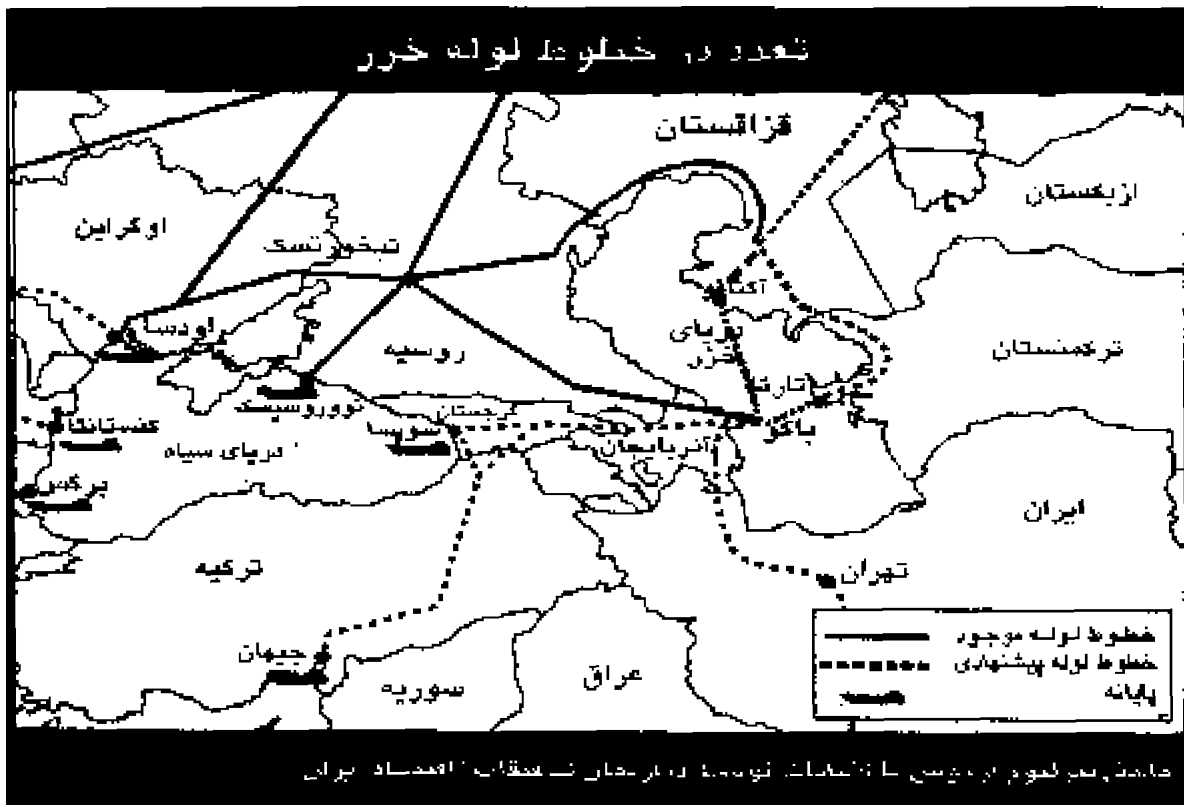
برخورد جناحی باعث شد تا امن‌ترین کشور خاورمیانه را که ظرفیت احیای جاده ابریشم را داشت، نامن جلوه دهیم و ناخواسته به جای ترانزیت نفت و گاز به ترانزیت موادمخدر تن دهیم.

#### ج - پذیرش تلو یحی رژیم ۲۰ درصدی مشاء

پس از فروپاشی شوروی نیز به دام یک ساده‌اندیشی افتادیم و آن این‌که رژیم مشاء (۲۰ درصد برای هر کشور) بین پنج کشور ایران، روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان را تلویحاً پذیرفتیم و از قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ که حاکمیت سیاسی ما را بر نیمی از دریای خزر پذیرفته بود، صرف نظر کردیم. پس از این‌که اعتبار آن قراردادها زیر سؤال رفت، گفته شد سهم ایران با توجه به طول مرز ساحلی آن با دریای خزر کمتر از ۲۰ درصد است و متأسفانه دیپلماسی ما در برابر این منطق ضعیف بود.

#### د- منافع تعریف شده و شفاف آمریکا در خزر

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی راه برای نفوذ آمریکا، انگلیس و اسرائیل باز شد و قوی‌ترین هیأت‌های سرمایه‌گذاری در بالاترین سطوح



به منطقه خزر و آسیای میانه آمدند. برای مثال در رأس یکی از هیأت‌های انگلیسی خانم مارگارت تاجر نخست‌وزیر اسبق این کشور بود.

برای نخستین بار، معاونت خزر نیز به سایر معاونت‌های ریاست جمهوری آمریکا اضافه شد (آقای مرنینگ استار) که نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این منطقه است.

آقای کلینتون به ترکیه رفت و علیرغم نظر کارشناسان، تصریح کرد که مسیر خط لوله انتقال نفت و گاز از خزر به دریای آزاد، باید حتماً از ترکیه و بندر جیحان بگذرد و مبلغ یک میلیارد دلار وام بلاعوض به ترکیه اعطاء شد!

هم کلینتون و هم بوش اذعان داشتند که اعراب و مسلمین دیگر ما را قبول ندارند، بنابراین آمریکا به طور قطع مصمم است به منبع انرژی جدیدی تکیه کند که اعراب و مسلمین بر آن اشراف نداشته باشند. اسرائیل نیز عمیقاً خواهان تکیه بر یک منبع قابل اعتماد انرژی در دریای مدیترانه است.

ملاحظه می‌کنیم مسیر خط لوله مورد نظر آمریکا و اسرائیل از کشورهایی مانند ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه می‌گذرد که مردم این کشورها، نژاد غیر عرب دارند و تفکر سران سیاسی و روش حکومتی آن‌ها غیراسلامی، کمونیستی یا سکولار است.

منافع آمریکا کاملاً شفاف و تعریف شده است و با اولویت‌های آمریکا هم‌خوانی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد در صورت مذاکره هم‌انعطافی نشان نخواهند داد زیرا اگر بنا بود کوچک‌ترین انعطافی داشته باشند، کلینتون آن را به نحوی ابراز می‌کرد تا گامی عملی در جهت حسن نیت و مذاکره با ایران در زمان خاتمی برداشته شود.

در کنفرانس خزر که در مسکو برگزار شد نماینده آمریکا بدون اعتنا به کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس، گفت: برای ما مهم نیست که رژیم حقوقی خزر چیست و به چه توافقی منجر می‌شود زیرا به هر صورت آمریکا مصمم است خط لوله نفت و گاز را در مسیر شرقی-غربی به ترکیه برساند.

#### هـ- چه باید کرد؟

اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر باعث شد که ایران به کمک کشتی جنگی و پرواز هواپیماهای خود، کشتی لرزه‌نگاری با پرچم آذربایجان را از منطقه نفتی "البرز آلو" دور نماید. ولی بعداً آمریکا، ترکیه و اسرائیل از مواضع آذربایجان دفاع و حمایت معنی‌دار کردند و معلوم نیست که تکرار این وضعیت بدون مخاطره باشد. از طرفی کوتاه آمدن در اعمال قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نوعی تغییر مرزهای ایران است و از سوی دیگر مقاومت نظامی در برابر رژیم حقوقی - تحمیلی خزر ممکن است جنگی تحمیلی به دنبال داشته باشد. ضمن این که تغییر مرز هم باید در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد. جنگ تحمیلی نیز عوارضی دارد که باید به آن توجه کرد. بنابراین بهترین کار در درجه نخست برخورد دموکراتیک است، یعنی اتحاد ملت، مجلس شورای اسلامی، مطبوعات، احزاب، ارتش، سپاه، نیروهای امنیتی و همه باید در جریان امر قرار گیرند. امتیاز دیگری که "تپه طلایی" یعنی کشور ایران دارد این است که اولاً بین دریای خزر و خلیج فارس واقع شده و در ثانی از یک شبکه وسیع

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی راه برای نفوذ آمریکا، انگلیس و اسرائیل باز شد و قوی‌ترین هیأت‌های سرمایه‌گذاری در

بالاترین سطوح به منطقه خزر و آسیای

میانه آمدند. برای مثال در رأس یکی از

هیأت‌های انگلیسی خانم مارگارت تاجر

نخست‌وزیر اسبق این کشور بود. برای

نخستین بار، معاونت خزر نیز به سایر

معاونت‌های ریاست جمهوری آمریکا اضافه

شد (آقای مرنینگ استار) که نشان‌دهنده

اهمیت استراتژیک این منطقه است

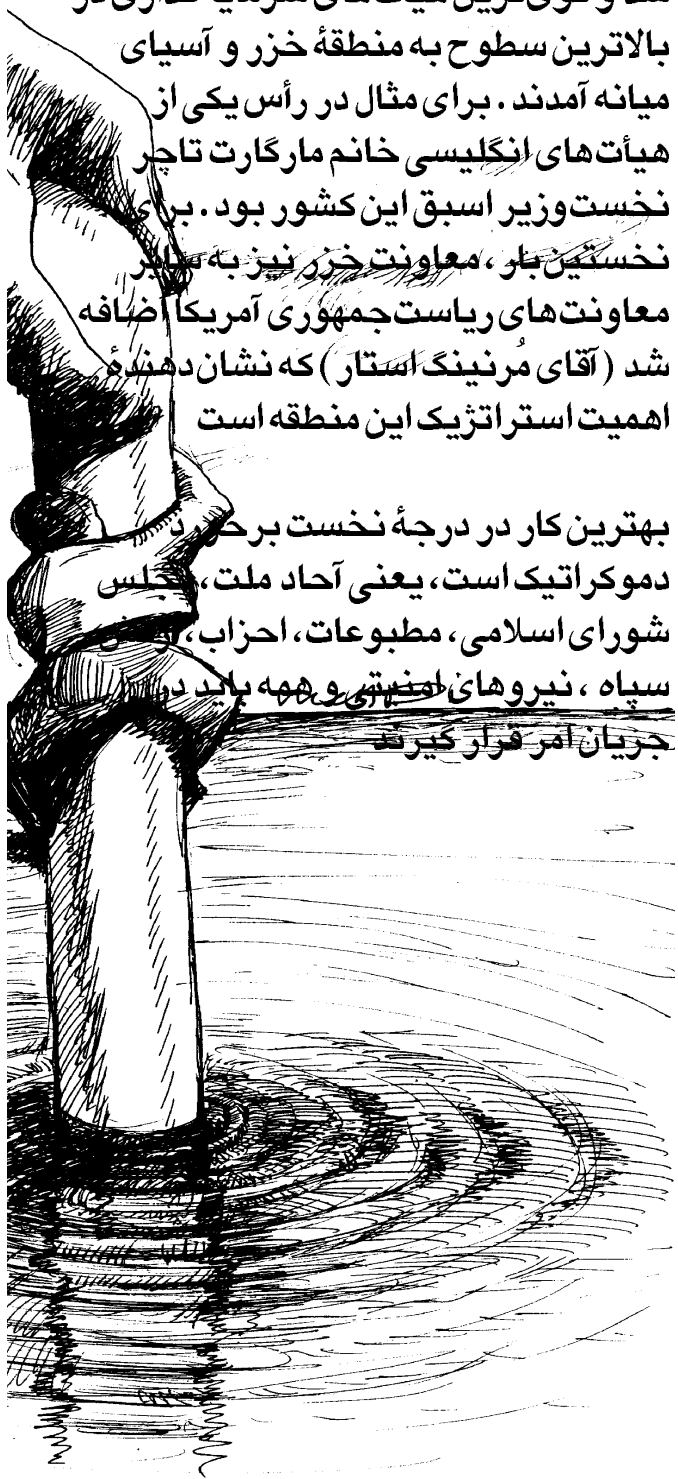
بهترین کار در درجه نخست برخورد

دموکراتیک است، یعنی اتحاد ملت، مجلس

شورای اسلامی، مطبوعات، احزاب، ارتش،

سپاه، نیروهای امنیتی و همه باید در

جریان امر قرار گیرند



سرتاسری خط لوله نفت و گاز برخوردار می‌باشد. ایران می‌تواند نفت کشورهای خزر را از طریق شبکه خط لوله خود به خلیج فارس منتقل نماید و به این ترتیب باعث می‌شود کشورهای خزر به جای تحمل هزینه ایجاد خط لوله جدید هر چه زودتر با درآمد حاصله از فروش نفت به توسعه اقتصادی خود بپردازند. چندی است دو شرکت بزرگ نفتی آمریکایی از وزارت خزانه‌داری آمریکا به منظور امضای قرارداد پایاپای سه جانبه (سواپ) استعمال کرده‌اند تا با دستیابی به یک مجوز قانونی بتوانند نفت دریای خزر را در خلیج فارس از ایران تحویل بگیرند. البته آمریکا به دلیل اولویت‌های راهبردی‌اش تاکنون با این کار موافقت نکرده است.

اما امتیاز بزرگ‌تر و برگ برنده‌تری که ایران دارد این است که بدون توجه به خصومت آمریکا، اسرائیل، انگلیس و ترکیه، رأساً با بهینه‌ترین قیمت خریدار نفت خزر می‌باشد. بدین معنا ایران که هم‌اکنون هزینه زیادی به منظور انتقال نفت و گاز از جنوب ایران به صفحات شمال ایران متحمل می‌شود می‌تواند با خرید نفت از کشورهای منطقه خزر مصرف استان‌های شمالی ایران را تأمین نماید. در این راستا است که حتی قبل از طراحی و تأسیس و راه‌اندازی پالایشگاه نکا قادریم نفت خزر را در پالایشگاه تبریز و تهران و بعداً آراک و احتمالاً اصفهان تصفیه نماییم. تسریع در استقرار خط لوله نکا - تهران می‌تواند این پروژه راهبردی - اقتصادی را با موفقیت‌ترین نموده و آمریکا، اسرائیل را با ترندهای غیرمنطقی و غیراقتصادی آنان در برابر عمل انجام شده قرار دهیم. چرا که اخیراً ثابت شده است با توجه به تولید ناکافی و هزینه‌های اکتشاف و استخراج بالای نفت در منطقه بسته خزر، استقرار خط لوله جدید از هر مسیری به صرفه اقتصادی نیست بایستی و لذا با یک اقدام هماهنگ و دیپلماسی فعال از این ویژگی منحصر به فرد خود هر چه زودتر استفاده کنیم. (رجوع شود به مقاله "آقای رییس جمهور، فردا خیلی دیر است" چشم‌انداز ایران شماره ۴).

**علینتون و موش اذعان داشتند که اعراب و مسلمین ما را قبول ندارند، بنابراین آمریکا باید تصمیم است به مسخ انرژی خزر. مسیحی‌ها می‌گویند که اعراب و مسیحین به ما اشراف نداشته باشند. نیز عمیقاً خواهان تکیه بر تمامد انرژی در دریای مدیترانه است**

**رانس خزر که در مسکو برگزار شد نماینده آمریکا بدون اعتنا به کشورهای شرکت کننده در کنفرانس، گفت: برای ما مهم نیست که رژیم حقوقی خزر چیست و به چه توافقی منجر می‌شود زیرا به هر صورت آمریکا مصمم است خط لوله نفت و گاز را در مسیر شرقی - غربی به ترکیه برساند**

